

The Impact of Social Capital, Information and Communication Technology Development, and Globalization on Good Urban Governance Based on the Participation Culture and Local Authorities' Inclination Approach

Zahra Sargazi Ph. D. Student, Department of Public Administration, Qazvin Branch, Islamic Azad University, Qazvin, Iran.

Farajollah Rahnavard Ahan¹ Associate Professor Department of Public Administration, Institute for Management and Planning Studies Tehran, Iran. (Corresponding Author).

Abstract

Purpose: The aim of this study is to present a model for investigating the antecedents of good urban governance in Iranian mega cities as well as the relations among effective factors of such governance.

Methodology: The statistical sample consisted of forty mega cities, for which the city councils completed the questionnaires.

Findings: Findings show that the information and communication technology development, social capital, globalization and local authorities' inclination variables positively and significantly affect good urban governance, but participation culture does not.

Implications: A new model for good urban governance has been introduced. It can ultimately serve as an appropriate context to secure the dynamism of indexes of good urban governance and can provide the cohesion necessary for the implementation and improvement of government performance in the society.

Recommendations: Based on the presented model, the expansion of information and communication technology, as well as the improvement of social capital, have been suggested.

Keywords: Good Urban Governance, Globalization, Participation Culture, Social Capital, Local Authorities' Inclination, Information and Communication Technology.

1. frahnavard@imps.ac.ir

عنوان مقاله: تاثیر سرمایه اجتماعی، توسعه فناوری اطلاعات و ارتباطات، و جهانی شدن بر حاکمیت خوب شهری در پرتو فرهنگ مشارکت و تمایل مقامات محلی

زهرا سرگزی^۱، فرج‌اله رهنورد آهن^۲

دریافت: ۱۳۹۸/۰۳/۱۷

پذیرش: ۱۳۹۹/۰۵/۲۶

مقاله پژوهشی

چکیده:

هدف: پژوهش حاضر با هدف ارائه مدلی برای بررسی پیشنهادهای حاکمیت خوب شهری در کلان‌شهرهای ایران و روابط میان عوامل موثر بر حاکمیت خوب شهری انجام شده است. **طرح پژوهش / روش‌شناسی / رویکرد:** نمونه آماری پژوهش شامل ۴۰ کلان‌شهر ایران است که اطلاعات لازم از طریق پرسشنامه میان اعضای شورای هریک از این شهرها جمع‌آوری گردید.

یافته‌ها: یافته‌های پژوهش بیانگر آن است که متغیرهای توسعه فناوری ارتباطات و اطلاعات، سرمایه اجتماعی، جهانی شدن، و تمایل مقامات محلی به صورت مثبت و معنادار بر حاکمیت خوب شهری تاثیرگذار هستند و فرهنگ مشارکت بر آن موثر نیست.

ارزش / اصالت پژوهش: در این پژوهش مدل جدیدی برای حاکمیت خوب شهری معرفی گردید که در نهایت بستر مناسبی برای حفظ و پویایی شاخص‌های حاکمیت خوب شهری است و پیوندها و همبستگی‌ها را برای اجرا و بهبود عملکرد سیستم دولت در بطن جامعه فراهم می‌آورد.

پیشنهاد‌های اجرایی / پژوهشی: با توجه به مدل به‌دست‌آمده پیشنهادهایی برای استقرار حاکمیت خوب شهری در کلان‌شهرهای ایران ارائه می‌شود مانند: ۱. گسترش کاربرد فناوری‌های اطلاعاتی و ارتباطی در مدیریت شهری؛ و ۲. ارتقای سرمایه اجتماعی.

کلیدواژه‌ها: حاکمیت خوب شهری، جهانی شدن، فرهنگ مشارکت، سرمایه اجتماعی، تمایل مقامات شهری، فناوری اطلاعات و ارتباطات

۱. دانشجوی دکتری گروه مدیریت دولتی، واحد قزوین، دانشگاه آزاد اسلامی، قزوین، ایران.

۲. دانشیار گروه آموزشی مدیریت دولتی، موسسه عالی آموزش و پژوهش مدیریت و برنامه‌ریزی، تهران، ایران (نویسنده مسئول).

امروزه شیوه نوین حاکمیت بر شهرها با این الزام مهم همراه است که رویکردی شبکه‌محور مبتنی بر مشارکت گروه‌های مختلف ذی‌نفعان شهری در دستور کار قرار گیرد و رویکرد سلسله‌مراتبی در تصمیم‌گیری تا حد امکان کنار گذاشته شود تا از این طریق علاوه بر کسب مشارکت بازیگران مختلف شهری، از دانش و تجربه آن‌ها به نحو مناسب بهره‌برداری شود. بنا به همین امر از ابتدای دهه ۱۹۹۰ میلادی، نگاه دانشگاهیان و متخصصان حوزه شهری به پدیده حکمرانی شهری گسترش چشمگیری یافت (Rhodes, 1997). سیاستمداران و دولتمردان نیز از این قاعده مستثنا نبودند، به‌گونه‌ای که پس از برگزاری کنفرانس سازمان ملل متحد در نایروبی در سال ۲۰۰۲، اصول حاکمیت شهری تبدیل به یک استاندارد جهانی در سیاست‌های شهری شد. این مفهوم در کشورهای توسعه‌یافته و در حال توسعه که در آن رشد پایدار به دلیل سیاست‌های توسعه‌طلبانه افراطی برخی گروه‌های پر قدرت در شهرها تهدید می‌شد، مطرح گردید (Badach & Dymnicka, 2017). در واقع، مفهوم حاکمیت شرکتی با هدف بهبود کیفیت زندگی، پاسخگویی بهتر مسئولان، ایجاد برابری بیش‌تر در برخورد با گروه‌های مختلف ذی‌نفع شهری، و افزایش سطح کارایی و اثربخشی در مدیریت شهرها متولد شد و مورد تأکید قرار گرفت و شکل‌گیری همکاری میان سه بخش دولتی، جامعه مدنی، و بخش خصوصی را در ارائه خدمات عمومی بهتر به شهروندان مورد توجه قرار داد.

به منظور سنجش کیفیت فرایند حاکمیت شهری، مجموعه‌ای از شاخص‌های پذیرفته‌شده در استاندارد یو ان هبیتات^۱ (۲۰۱۶) تعیین و معرفی شده است. برخی از این شاخص‌ها شامل وجود زیرساخت‌ها، پایداری، عدالت، بهره‌وری، شفافیت، پاسخگویی، مشارکت مدنی، شهروندی و امنیت شهروندان می‌گردد. مشارکت عمومی به عنوان یک راهبرد کلیدی در فرایند تصمیم‌گیری شامل کلیه ذی‌نفعان مختلف شهری اعم از مدیران دولت محلی، انجمن‌های تجاری، سازمان‌ها و گروه‌هایی می‌شود که شهروندان و اقلیت‌ها را نمایندگی می‌کنند.

با توجه به اهمیت مفهوم حاکمیت شهری در فضای اداره شهرها، این پرسش مهم مطرح می‌گردد که چه عواملی در حوزه مدیریت شهری بر حاکمیت شهری موثر است. با آن‌که برخی

1. UN- Habitat

از پژوهش‌ها همچون مالونی و همکاران^۱ (۲۰۰۰) بر رابطه سرمایه اجتماعی و حاکمیت خوب، سوکاموتو و فوگل^۲ (۲۰۰۴) بر رابطه میان متغیرهایی همچون جهانی شدن و حاکمیت خوب، و مادزوا و همکاران^۳ (۲۰۱۳) بر رابطه توسعه فناوری اطلاعات و ارتباطات با حاکمیت شهری تاکید نموده‌اند، اما نبود یک بررسی جامع و یکپارچه از عوامل موثر بر حاکمیت شهری در ادبیات و توجه کمتر آن‌ها به روابط میان این متغیرهای اثرگذار، هنوز این پرسش را بی‌پاسخ گذاشته است که با افزایش و تغییر در کدام یک از متغیرهای کلان‌شهری می‌توان حاکمیت شهری را ارتقا داد. با توجه به این امر، نوآوری پژوهش در تشریح عوامل موثر بر حکمرانی خوب شهری و بررسی تعاملات میان این عوامل و عناصر تعدیل‌گر در این ارتباط است. این نوآوری از بعد دیگر به بررسی مدلی مفهومی این پژوهش از منظر اعضای آگاه به حکمرانی شهری در ۴۰ شهر کلان و بزرگ ایران بازمی‌گردد. در تعریف مفهوم مشارکت شهروندان این اعتقاد وجود دارد که از منظر حکمرانی جمعی مردم‌سالار در یک شهر، فرهنگ مشارکت شهروندان به مجموعه باورها، ارزش‌ها و اعتقادهای مشترکی بازمی‌گردد که بر اساس آن میزان کنش‌گری و مشارکت شهروندان در تصمیم‌ها و برنامه‌های شهری تعیین می‌شود. همچنین، تمایل مقامات محلی به میزان علاقه‌مندی مقامات دولتی و محلی به استقرار حاکمیت خوب شهری اشاره دارد. به همین دلیل، پژوهش حاضر می‌کوشد نگاهی گسترده و جامع به عوامل اثرگذار بر حاکمیت خوب شهری در کلان‌شهرهای ایران برای اثرپذیر کردن آن‌ها از عوامل تعدیل‌گر داشته باشد و ضمن شناسایی و تحلیل روابط میان این عوامل، در قالب یک مدل مفهومی، اثر این متغیرها را بر حاکمیت خوب شهری آزمون کند.

مبانی نظری پژوهش

مفهوم حاکمیت شهری

از دیدگاه استوکر^۴ (۱۹۹۸)، انگاره حاکمیت شهری به‌جای حکومت شهری سنتی، بر محیط سیاسی - اجتماعی پیچیده و چندپاره، و الگوی منعطف و باز تصمیم‌گیری دلالت دارد. پیری^۵ (۱۹۹۹)، حاکمیت شهری را به مثابه فرایندی می‌داند که برای تلفیق و هماهنگی منافع خصوصی

1. Maloney *et al.*
2. Tsukamoto & Vogel
3. Madzova *et al.*
4. Stoker
5. Pierre

و عمومی در زمینه‌هایی با نهادها و سیستم‌های مختلف ارزشی و هنجاری جهت‌گیری شده است. شهیدی (۱۳۸۶)، معتقد است حاکمیت خوب شهری یعنی اثرگذاری همهٔ ارکان تاثیرگذار شهری بر مدیریت شهر با تمام سازوکارهایی که به سوی تعالی شهر و شهروندان حرکت می‌کنند، نه این‌که فعالان عمومی و خصوصی کنار گذاشته شوند و فقط دولتداران اختیاردار آن باشد. به عبارت دیگر، منشای قدرت و مشروعیت در حاکمیت خوب شهری تمام شهروندان و حضور آن‌ها در همه صحنه‌ها و ارکان جامعه مدنی است. در نتیجه، حاکمیت شهری هم نهادهای رسمی و هم اقدام‌های غیررسمی و سرمایه اجتماعی شهروندان را در بر می‌گیرد (UN-Habitat, 2016). با توجه به این تعریف، باید در نظر داشت که گذار از حاکمیت شهری متمرکز و سلسله‌مراتبی به سمت حاکمیت خوب غیرمتمرکز و مردم‌سالار به یک ضرورت بی‌چون و چرا تبدیل شده است و شناخت ابعاد و مولفه‌های حاکمیت خوب شهری یک پرسش پژوهشی معین است که در بخش بعدی به آن پاسخ داده خواهد شد.

ابعاد و مولفه‌های حاکمیت خوب شهری

در خصوص ابعاد و مولفه‌های حاکمیت خوب مدلهای زیادی وجود دارند. مدل سکونتگاه‌های انسانی سازمان ملل (UN-Habitat, 2016) نیز یکی از جامع‌ترین مدل‌هاست که بر شاخص‌هایی در سنجش حاکمیت خوب شهری تاکید دارد مانند: ۱. اثربخشی؛ ۲. برابری؛ ۳. مشارکت؛ و ۴. پاسخگویی. این مدل به دلیل جامعیت بیش‌تر در این پژوهش مورد استفاده قرار گرفته است. شاخصهای سنجش هر یک از ابعاد چهارگانه حاکمیت خوب شهری در زیر مشخص شده‌اند که می‌توان بر مبنای آن‌ها حاکمیت خوب شهری را در هر شهری مورد سنجش قرار داد.

۱. اثربخشی: این معیار بر استفاده مناسب از منابع موجود برای تامین نیازهای شهروندان، ارائه خدمات شهری و رضایت مردم استوار است. درآمد سرانه حکومت محلی، پیش‌بینی‌پذیر بودن نقل و انتقالات، استانداردهای عملکرد منتشرشده، پیمایش رضایت مشتریان، و بیانیه چشم‌انداز نمونه‌هایی از شاخص اثربخشی هستند.

۲. برابری: منظور از برابری، ایجاد فرصت‌های مناسب برای همه شهروندان در زمینه ارتقای وضعیت رفاهی خود، تلاش در راستای تخصیص عادلانه منابع، و مشارکت اقشار محروم در اعلام نظر و تصمیم‌گیری است. از طرفی، برابری بر شمولیت دسترسی منصفانه شهروندان (زنان، کودکان، سالمندان، اقلیت‌های مذهبی یا فرهنگی، افراد ناتوان) به احتیاجات اساسی زندگی شهری (تغذیه، آموزش و پرورش، اشتغال و معاش، مراقبت‌های بهداشتی، پناهگاه‌ها، آب آشامیدنی سالم،

و بهداشت)، اولویت‌های نهادی در تمرکز بر خط‌مشی‌های فقرزدایی، و برقراری سازوکاری برای واکنش به خدمات اساسی دلالت دارد. منشور شهروندی، مشاوران زن، خط‌مشی حمایت از فقرا و دستفروشی نمونه‌هایی از شاخص انصاف (برابری) هستند.

۳. مشارکت: منظور از مشارکت، قدرت تاثیرگذاری بر تصمیم‌گیری‌ها و سهم شدن شهروندان در قدرت است. از طرف دیگر، مشارکت در حاکمیت بر سازوکارهایی دلالت دارد که مردم سالاری‌های محلی را از طریق شمولیت، انتخابات شهری آزاد و منصفانه ارتقا می‌دهد. مشارکت همچنین ناظر بر فرایندهای تصمیم‌گیری مشارکت‌جویانه مبتنی بر سرمایه شهری، به‌ویژه فقر است و در آن جهت‌گیری اجماع و شهروندی وجود دارد. شورای انتخابی، شهردار انتخابی، گردهمایی رأی‌دهندگان، مجمع مردم و انجمن مدنی نمونه‌هایی از شاخص مشارکت هستند.

۴. پاسخگویی: این معیار دو نکته مکمل را در بر دارد. مسئولان شهری باید هم نیازها و خواسته‌های شهروندان را دریابند و بپذیرند و هم در برابر آن واکنش و پاسخ مناسب نشان دهند. در نتیجه، همسویی خواسته‌های شهروندان و اقدام مسئولان ضروری است (Hekmatnia et al., 2017). از طرف دیگر، پاسخگویی بر سازوکارهای شفاف در وظایف عملیاتی دولت محلی، واکنش‌گری نسبت به سطوح بالای حکومتی، جمعیت محلی و شکایات شهری، شفافیت و پیش‌بینی‌پذیر بودن استانداردهای حرفه‌ای، حاکمیت قانون، و خط‌مشی‌های عمومی دلالت دارد. نمونه‌هایی از شاخص پاسخگویی عبارت‌اند از: انتشار رسمی قراردادهای، مزایده‌ها، بودجه‌ها و حساب‌ها، حسابرسی مستقل، کنترل توسط سطوح بالای حکومتی، کدهای رفتاری، افشای درآمد و دارایی‌ها، سازوکارهای دریافت شکایت، و کمیسیون ضدفساد.

عوامل موثر بر حاکمیت شهری

استقرار حاکمیت خوب شهری در گرو عواملی است که می‌توانند در نقش جلوبرنده یا بازدارنده ظاهر شوند. نتایج پژوهش‌ها سه عامل را بر استقرار حاکمیت خوب شهری اثرگذار می‌دانند. **جدول ۱**)، این عوامل را نشان می‌دهد.

جدول ۱: عوامل اثرگذار بر حاکمیت خوب شهری

منبع	عوامل موثر
مالونی و همکاران (۲۰۰۰)	اثر سرمایه اجتماعی بر حاکمیت خوب
کرسل و فرای ^۱ (۲۰۰۵)	اثرپذیری حاکمیت شهری از جهانی شدن
البرلی ^۲ (۲۰۰۳)	اثر سرمایه اجتماعی بر حاکمیت خوب
سوکاموتو و فوگل (۲۰۰۴)	اثر جهانی شدن بر حاکمیت خوب
استریب و ناوارو ^۳ (۲۰۰۶)	درخواست شهروندان برای دولت الکترونیکی تعاملی
اوزون ^۴ (۲۰۰۷)	اثر جهانی شدن بر حاکمیت شهری
جانکاسکاس و سپوتینی ^۵ (۲۰۰۷)	همبستگی سرمایه اجتماعی با حاکمیت
فان کامپن و فان ناژسن ^۶ (۲۰۰۸)	اثر جهانی شدن بر حاکمیت شهری
رلهان و همکاران ^۷ (۲۰۱۲)	اثر فناوری‌های اطلاعاتی و ارتباطی بر حاکمیت شهری
لمبارد ^۸ (۲۰۱۳)	اثرپذیری مشارکت شهروندان از فرهنگ شهروندان در حاکمیت شهری
مادزوا و همکاران (۲۰۱۳)	اثر دولت الکترونیک بر حاکمیت خوب
ریتزر ^۹ (۲۰۱۳)	اثر سرمایه اجتماعی بر حاکمیت خوب
پروکا و سانتگیبائر ^{۱۰} (۲۰۱۶)	اثر فناوری‌های اطلاعاتی و ارتباطی بر حاکمیت محلی
مس و همکاران ^{۱۱} (۲۰۱۵)	اثر سرمایه اجتماعی بر حاکمیت
یوان هیبنتات (۲۰۱۶)	اثر فناوری‌های اطلاعاتی و ارتباطی بر حاکمیت شهری
رهنورد و یزدان‌شناسان (۱۳۹۴)	اثر دولت الکترونیک بر حاکمیت خوب
آرای و همکاران (۲۰۱۸)	اثر سرمایه اجتماعی بر حاکمیت خوب
صفریان و امام‌جمعه‌زاده (۲۰۱۸)	اثر متقابل سرمایه اجتماعی و حاکمیت خوب شهری بر یکدیگر
بدیعی ازندهای و حسینی نصرآبادی (۱۳۹۱)	اثر جهانی شدن بر حاکمیت خوب ملی

1. Kresl & Fry
2. Eberle
3. Streib & Navarro
4. Uzun
5. Jankauskas & Šeputienė
6. Van Kampen & Van Naerssen
7. Relhan *et al.*
8. Lombard
9. Ritter
10. Perucca & Sonntagbauer
11. Maas *et al.*

با توجه به **جدول (۱)**، هر یک از عوامل اثرگذار بر حاکمیت خوب شهری به اختصار تشریح می‌شود:

سرمایه اجتماعی

سرمایه اجتماعی از نظر پانام جنبه‌هایی از سازمان اجتماعی مانند شبکه‌های اجتماعی، هنجارها و اعتماد هستند که با تسهیل همکاری و هماهنگی در میان اعضای جامعه، آن‌ها را قادر می‌سازد که اهداف مشترکشان را به‌طور کارآمدی دنبال کنند (Putnam, 2001). از تعاریف مندرج در سرمایه اجتماعی می‌توان تا حدودی ابعاد آن را از قبیل شکل‌گیری تعهدها و انتظارات درون شبکه‌های متنوع اجتماعی یا به عبارتی مشارکت گروهی و جمعی، اعتماد به عنوان یکی از اجزای اصلی و برونی سرمایه اجتماعی، اعتماد میان اعضای جامعه، و تبادل اطلاعات به صورت کم‌هزینه و راحت برای تقویت همکاری به‌دست آورد. در بحث اثرگذاری سرمایه اجتماعی بر حاکمیت خوب شهری، ریتز (۲۰۱۳)، این ایده را مطرح می‌نماید که با افزایش سرمایه اجتماعی و اعتماد عمومی به دولت، شهروندان مشارکت بیشتری در امر سیاست‌گذاری، تصمیم‌گیری گروهی و اجرای جمعی در حوزه مدیریت شهری خواهند داشت. صفریان و امام‌جمعه‌زاده (۲۰۱۸)، معتقدند رابطه بین سرمایه اجتماعی و حاکمیت خوب یک رابطه دوسویه است. در واقع، دولت با ایجاد زمینه مشارکت مردم در تصمیم‌های شهری همچون نظام‌های شورایی و انتخابات شهری و ایجاد احساس برابری و عدالت در میان گروه‌های مردمی، اعتماد مردم و سرمایه اجتماعی آن‌ها را ارتقا می‌بخشد و همین مسئله در ادامه به دلیل حمایت مردم از تصمیم‌های حاکمیت شهری به تقویت حاکمیت خوب شهری منجر می‌گردد.

فناوری اطلاعات و ارتباطات (ICT)

در بحث اثرگذاری توسعه فناوری‌های اطلاعات و ارتباطی، شهرستانی (۱۳۹۵) معتقد است که ارتباط بین دولت الکترونیک و حکمرانی خوب به قدری نزدیک است که دولت الکترونیک اگر در نهایت به حکمرانی بهتر منجر نشود، هرگز رسالت خود را به انجام نرسانیده است. حکمرانی الکترونیک شرط لازم (و نه کافی) در جهت نیل به توسعه پایدار شهری است. از طریق حکمرانی الکترونیک است که می‌توان مولفه‌های حکمرانی خوب شهری را ارتقا داد و زمینه‌های رفاه بیش‌تر شهروندان را فراهم آورد. ICT امکانات گسترده‌ای را برای عینیت یافتن آرمان‌های حکمرانی خوب فراهم می‌کند و با بکارگیری فناوری‌های جدید ارتباطی و اطلاعاتی به بهبود فرایندهای ارائه خدمات در بخش عمومی، تسریع ارائه خدمات به شهروندان، پاسخگوتر شدن مأموران دولتی،

شفاف شدن اطلاعات، کاهش فاصله بین مردم و دولتمردان، مشارکت اثربخش تر شهروندان و اعضای جامعه مدنی در فرایند تصمیم‌گیری عمومی، و گسترش عدالت اجتماعی از طریق فرصت‌های برابر افراد برای دسترسی به اطلاعات کمک شایانی می‌کند و حکومت‌ها چنانچه بخواهند در مسیر تحقق حکومتمداری خوب حرکت کنند باید به ابزار نیرومندی همچون ICT مسلح باشند. شهرداری نزدیک‌ترین سطح حکومت به مردم است که می‌تواند با الکترونیکی کردن خدمات خود به عنوان ابزاری موثر برای تحقق عدالت اجتماعی و دستیابی به حکمرانی خوب از نهادهای خدماتی به نهادی اجتماعی مبدل شود.

برای سنجش اثر توسعه فناوری اطلاعاتی و ارتباطی بر حاکمیت خوب شهری، مدل‌های مختلفی ارائه شده است که مدل سازمان ملل معروفیت بیش‌تری دارد. مطابق این مدل توسعه حکومت الکترونیک دارای ابعادی سه‌گانه است: ۱. خدمات برخط (آنلاین)؛ ۲. سرمایه انسانی؛ و ۳. زیرساخت‌های مخابراتی. این مدل در پژوهش حاضر استفاده شده است.

جهانی شدن

جهانی شدن به معنای یکپارچه شدن جهان در ابعاد مختلف سیاسی، اقتصادی، فرهنگی و ارتباطی، و حذف مرزهای مصنوعی و قراردادی است. در این مفهوم ضمن تغییر و تحول اجتماعی از مقیاس محلی به جهانی، سرنوشت تمامی بخش‌های کره زمین از طریق شبکه و پیوندهای وابسته به هم و نفوذ و ارتباط متقابل اقتصادی، سیاسی، و فرهنگی فراسوی مرزها به هم گره خورده است (ساعی ارسبی، ۱۳۸۸). اساساً، جهانی شدن به مجموعه فرایندهای پیچیده‌ای اطلاق می‌شود که به موجب آن دولت‌های ملی به‌طور روزافزون به یکدیگر مرتبط و وابسته می‌شوند. در جغرافیای سیاسی نیز، فرایند یا پدیده جهانی شدن به اشکال مختلف به‌ویژه در بحث مربوط به حاکمیت ملی و حاکمیت بر شهرها مطرح می‌شود. امروزه تحت تاثیر فرایندها و ابعاد گوناگون جهانی شدن، مفهوم حاکمیت ملی و شهری دستخوش تحول گردیده است، به گونه‌ای که در برخی حیطه‌ها، قلمرو مفهومی آن محدود شده و در برخی دیگر از زمینه‌ها گسترش یافته است. نتایج بدیعی **ازندهای و حسینی نصرآبادی (۱۳۹۱)** نشان می‌دهد که به‌رغم همه فشارها و محدودیت‌هایی که در آزادی و عملکرد یک کشور ایجاد شده است، جهانی شدن توانسته است گستره مفهومی و قلمروی حاکمیت ملی و به تبع آن حاکمیت شهری را دچار تحول سازد. البته از نظر این پژوهشگران پیشرفت فناوری ارتباطات و گسترش وسایل ارتباط جمعی از جمله عوامل بسیار اثرگذار در این رابطه هستند.

فرهنگ مشارکت

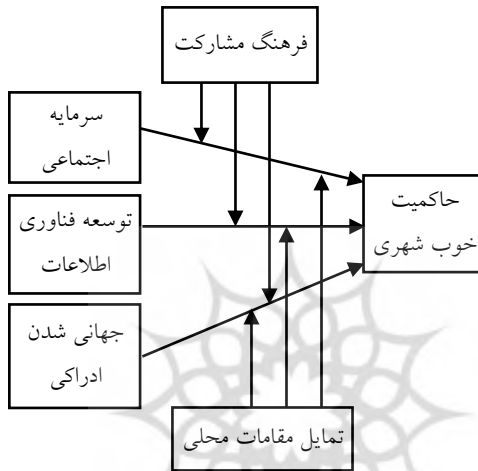
از نظر جنکینز^۱ (۲۰۰۹)، فرهنگ مشارکتی فرهنگی است که در آن ۱. موانع اندکی برای درگیر شدن مدنی وجود دارد؛ ۲. از خلق و تسهیم ایده‌ها حمایت می‌شود؛ ۳. نوعی ارشادگری غیررسمی که در آن بیش‌تر افراد باتجربه دانش خود را به نوآموزان انتقال می‌دهند؛ ۴. افراد اعتقاد دارند نقش مهمی ایفا می‌کنند؛ و ۵. افراد درجاتی از ارتباط اجتماعی را با یکدیگر حس می‌کنند و به عقاید دیگران اهمیت می‌دهند. باید در نظر داشت که الگوی حاکمیت خوب شهری به عنوان فرایند مشارکتی توسعه تعریف می‌شود که به موجب آن همه ذی‌نفعان شامل حکومت، بخش خصوصی، و جامعه مدنی وسایلی را برای حل مشکلات شهری فراهم می‌کنند. در این‌جا مدیریت شهری از بالا به پایین نیست و مشارکت شهروندان در اداره امور شهر جزو جدایی‌ناپذیر آن است (McCarney et al., 1995). بنابراین، می‌توان گفت که وجود فرهنگ مشارکت زمینه‌ساز درگیر شدن گسترده شهروندان در حاکمیت خوب شهری است. از طرف دیگر و با توجه به دیدگاه حاجی یوسفی و طالبی (۲۰۱۷)، مشارکت یکی از مولفه‌های مهم فرهنگ سیاسی است و هم از شاخص‌های اصلی حکمرانی خوب محسوب می‌شود. تحقق حکمرانی خوب به عنوان یکی از مدل‌های توسعه، بدون مشارکت ممکن نیست. از این‌رو، برای بررسی چرایی محقق نشدن حکمرانی خوب، باید موانع پیشروی شاخص‌های آن مورد بررسی قرار گیرد. این پژوهشگران موانعی که در برابر فرهنگ مشارکت شهروندان قرار دارد را شامل فردگرایی منفی، استبدادزدگی، ضعف جامعه مدنی، مشکلات ساختاری، دولت شبه‌رانتی، و تمرکزگرایی می‌دانند که با کوچک کردن دولت، تقویت منافع و نمادهای ملی، بسط جامعه مدنی، و حاکمیت اراده عمومی می‌توان به ارتقای آن در چارچوب حکمرانی خوب کمک نمود.

مدل مفهومی پژوهش

نگاهی گذرا به مدل‌های موجود در حوزه حاکمیت خوب شهری در کشور و مطالعات صورت‌گرفته در این حوزه نشان می‌دهد که در بیش‌تر پژوهش‌های پیشین، ادبیات صرفاً به تبیین مفهوم حکمرانی خوب و تا حدی نیز به مفهوم حکمرانی خوب شهری پرداخته است. البته در این مطالعات به‌ندرت روابط میان متغیرهای اثرگذار بر تقویت حاکمیت خوب شهری در کشور مورد بررسی قرار گرفته است. این مسئله در سطح کلان‌شهرها بیش‌تر و به شکل جدی‌تر دیده می‌شود. به همین منظور، پژوهشگران با شناسایی این شکاف و با بررسی مدل‌های مختلف موجود

1. Jenkins

در فضای حکمرانی خوب شهری، به‌ویژه مدل سازمان ملل (UN- Habitat, 2016)، و از طرفی بررسی متغیرهایی همچون سرمایه اجتماعی، توسعه فناوری‌های اطلاعاتی و ارتباطی، و جهانی شدن ادراکی که بر حاکمیت خوب شهری می‌توانند اثر قابل ملاحظه‌ای داشته باشند، مدل مفهومی جدیدی ارائه نموده‌اند که در آن نقش تعدیل‌گری دو متغیر فرهنگ مشارکت شهروندان و تمایل مقامات محلی نیز مورد بررسی قرار گرفته است (شکل ۱).



شکل ۱: مدل مفهومی پژوهش

با توجه به مدل مفهومی پژوهش، فرضیه‌های پژوهش قابل طرح است:

- H_1 : سرمایه اجتماعی بر حاکمیت خوب شهری مثبت و معنادار است.
- H_2 : توسعه فناوری اطلاعات و ارتباطات بر حاکمیت خوب شهری مثبت و معنادار است.
- H_3 : جهانی شدن ادراکی بر حاکمیت خوب شهری مثبت و معنادار است.
- H_4 : تمایل مقامات محلی رابطه بین جهانی شدن ادراکی و حاکمیت خوب شهری را به صورت مثبت و معنادار تعدیل می‌کند.
- H_5 : تمایل مقامات محلی رابطه بین توسعه فناوری اطلاعات و ارتباطات و حاکمیت خوب شهری را به صورت مثبت و معنادار تعدیل می‌کند.
- H_6 : تمایل مقامات محلی رابطه بین سرمایه اجتماعی و حاکمیت خوب شهری را به صورت مثبت و معنادار تعدیل می‌کند.

H₇: فرهنگ مشارکت رابطه بین جهانی شدن ادراکی و حاکمیت خوب شهری را به صورت مثبت و معنادار تعدیل می‌کند.

H₈: فرهنگ مشارکت رابطه بین توسعه فناوری اطلاعات و ارتباطات و حاکمیت خوب شهری را به صورت مثبت و معنادار تعدیل می‌کند.

H₉: فرهنگ مشارکت رابطه بین سرمایه اجتماعی و حاکمیت خوب شهری را به صورت مثبت و معنادار تعدیل می‌کند.

روش‌شناسی پژوهش

این پژوهش از نظر هدف کاربردی و از نظر شیوه تحلیل پدیده مورد بررسی، توصیفی-پیمایشی است. روش نمونه‌گیری در پژوهش حاضر قضاوتی هدفمند است، به گونه‌ای که از میان شهرهای ایران، آن شهرهایی انتخاب می‌شوند که جمعیت بالای ۱۰۰ هزار نفر دارند و همچنین در آن شهرها نیز افراد آگاه و مطلع به موضوع حاکمیت خوب شهری که سابقه علمی و تجربه بیشتری در این حوزه دارند، انتخاب می‌شوند. این افراد آگاه و مطلع از گروه اعضای شورای شهر و شهرداران شهرها هستند. نمونه آماری در بخش کیفی شامل ۷ خبره حوزه مدیریت شهری اعم از استادان و اعضای باتجربه و صاحب‌منصب در شورای شهر و سمت شهردار می‌شوند. در بخش کمی نیز ۴۰ کلان‌شهر کشور به عنوان نمونه آماری در نظر گرفته می‌شوند. ویژگی افراد نمونه به شرح جدول (۲) است.

جدول ۲: ویژگی جمعیت‌شناختی خبرگان

ردیف	سن (سال)	جنسیت	تجربه
۱	۴۸	مرد	استاد دانشگاه
۲	۵۹	مرد	عضو شورای شهر
۳	۵۷	مرد	استاد دانشگاه
۴	۴۲	مرد	معاون شهردار / استاد دانشگاه
۵	۵۱	مرد	عضو شورای شهر
۶	۵۴	مرد	شهردار
۷	۵۶	مرد	عضو شورای شهر

۳۰۰ پرسشنامه به روش نمونه‌گیری قضاوتی هدفمند توزیع گردید که در مجموع ۲۰۵ پرسشنامه برگشت داده شد. ویژگی‌های جمعیت‌شناختی شهرهای منتخب به شرح جدول (۳) است:

جدول ۳: آمار جمعیت شناختی شهرستان‌ها

ردیف	استان	شهر	جمعیت ۱۳۹۵
۱	تهران	تهران	۸۶۹۳۷۰۶
۲	فارس	شیراز	۱۵۶۵۵۷۲
۳	اصفهان	اصفهان	۱۹۶۱۲۶۰
۴	قم	قم	۱۲۰۱۱۵۸
۵	البرز	کرج	۱۷۷۳۶۶۶
۶	خراسان رضوی	مشهد	۳۰۰۱۱۸۴
۷	خوزستان	اهواز	۱۱۸۴۷۸۸
۸	آذربایجان شرقی	تبریز	۱۵۵۸۶۹۳
۹	کرمان	کرمان	۵۳۷۷۱۸
۱۰	فارس	جهرم	۱۴۱۶۳۴
۱۱	اردبیل	اردبیل	۵۲۹۳۷۴
۱۲	اردبیل	مشکین شهر	۱۵۱۱۵۶
۱۳	کهگیلویه و بویراحمد	یاسوج	۱۳۴۵۳۲
۱۴	خراسان جنوبی	بیرجند	۲۰۳۶۳۶
۱۵	کرمان	بم	۱۲۷۳۹۶
۱۶	هرمزگان	بندرعباس	۵۲۶۶۴۸
۱۷	ایلام	ایلام	۱۹۴۰۳۰
۱۸	مرکزی	اراک	۵۲۰۹۴۴
۱۹	همدان	همدان	۵۵۴۴۰۶
۲۰	یزد	یزد	۵۲۹۶۷۳
۲۱	سیستان و بلوچستان	زاهدان	۵۸۷۷۳۰
۲۲	مازندران	ساری	۳۰۹۸۲۰
۲۳	آذربایجان غربی	ارومیه	۷۳۶۲۲۴
۲۴	همدان	ملایر	۱۷۰۲۳۷
۲۵	فارس	مرودشت	۱۴۸۱۵۸
۲۶	کردستان	سنندج	۴۱۲۷۶۷
۲۷	خوزستان	آبادان	۲۳۱۴۷۶
۲۸	خوزستان	بهبهان	۱۲۲۶۰۴
۲۹	گیلان	بندر انزلی	۱۱۸۵۶۴
۳۰	کردستان	مریوان	۱۳۶۶۵۴

داده‌ها جدول ۳: آمار جمعیت شناختی شهرستان‌ها

ردیف	استان	شهر	جمعیت ۱۳۹۵
۳۱	کرمان	سیرجان	۱۹۹۷۰۴
۳۲	کرمان	رفسنجان	۱۶۱۹۰۹
۳۳	گلستان	گرگان	۳۵۰۶۷۶
۳۴	بوشهر	بوشهر	۲۲۳۵۰۴
۳۵	چهارمحال و بختیاری	شهرکرد	۱۹۰۴۴۱
۳۶	کرمانشاه	کرمانشاه	۹۴۶۶۵۱
۳۷	سمنان	سمنان	۱۸۵۱۲۹
۳۸	قزوین	قزوین	۴۰۲۷۴۸
۳۹	لرستان	خرم‌آباد	۳۷۳۴۱۶
۴۰	گیلان	رشت	۶۷۹۹۹۵

در تحلیل آمار توصیفی داده‌ها مشخص گردید که از میان پاسخ‌دهندگان پژوهش، بیش از ۹۱ درصد از گروه مردان و ۹ درصد از گروه زنان هستند. در این میان گروه پاسخ‌دهندگان با متوسط ۴۰-۵۰ سال بیش‌ترین فراوانی را به خود اختصاص داده است، و افراد با سابقه شورایی ۳-۴ سال بالاترین فراوانی معادل ۴۵ درصد پاسخ‌دهندگان را شامل می‌شوند. در بحث تحصیلات نیز گروه کارشناسی ارشد نیز با آماری بالغ بر ۶۹ درصد پاسخ‌دهندگان بیش‌ترین فراوانی را دارند. در این پژوهش از تحلیل مسیر مبتنی بر واریانس استفاده شده است. نیاز به توضیح است که دورویکرد در تخمین روابط در مدل معادله ساختاری وجود دارد (Hair et al., 2016). یکی از آن‌ها رویکرد مبتنی بر کوواریانس (CB-SEM) است که به‌طور گسترده بکار گرفته می‌شود، و دیگری رویکرد مبتنی بر حداقل مربعات جزئی (PLS-SEM) یا رویکرد مبتنی بر واریانس است. الگوریتم مبتنی بر واریانس (PLS-SEM)، ضرایب مسیر و دیگر پارامترهای مدل را به‌گونه‌ای برآورد می‌کند که واریانس تبیین‌شده متغیر وابسته را بیشینه کند. PLS-SEM یک تکنیک برآورد مبتنی بر رگرسیون OLS است که بیش‌تر بر پیش‌بینی تمرکز دارد تا تبیین. در این پژوهش برای سنجش پایایی پرسشنامه از آلفای کرونباخ و پایایی ترکیبی^۲ استفاده شده است (جدول ۴). همان‌طور که مشخص است، همه متغیرها از پایایی بالایی در مدل برخوردارند. پایایی ترکیبی و ضریب آلفای کرونباخ در مورد همه متغیرها بالاتر از ۰/۷ است که نشانگر پایایی قابل قبول است.

1. Ordinary Least Squares
2. Composite Reliability

جدول ۴: آلفای کروناخ و پایایی ترکیبی سازه‌های مدل

متغیر	نقش متغیر	ضریب آلفای کروناخ (CR) (Alpha-0.7)	ضریب پایایی ترکیبی (CR) (CR-0.7)
فناوری اطلاعات و ارتباطات	مستقل	۰/۸۵۹	۰/۹
حاکمیت خوب شهری	وابسته	۰/۸۲۵	۰/۸۳۲
جهانی شدن ادراکی	مستقل	۰/۷۵۹	۰/۹۵۶
سرمایه اجتماعی	مستقل	۰/۷۹۶	۰/۸۳۶
فرهنگ مشارکت	تعدیل‌گر	۰/۸۵۱	۰/۷۶۵
تمایل مقامات محلی	تعدیل‌گر	۰/۹۱۲	۰/۸۳۲

در ضمن، برای تعیین روایی محتوایی ابزار اندازه‌گیری، ابتدا پرسشنامه‌ها در اختیار اعضای هیئت علمی دانشگاه‌ها و مدیران ارشد شهرداری قرار گرفت و روایی پرسشنامه مطابق رابطه (۱) تایید شد که در آن CVR نسبت روایی محتوا، Ne تعداد ارزیابانی است که میزان موافقت خود را در خصوص مناسب بودن یک گویه خاص در مقیاس سه‌درجه‌ای (اساسی، سودمند، و غیرضرور) بیان کردند، و N کل تعداد ارزیابان است.

$$CVR = (Ne - N/2)/(N/2) \quad (1)$$

در پژوهش حاضر برای سنجش روایی محتوایی از ۱۴ ارزیاب بهره برده شد و ۱۲ نفر گویه‌های پرسشنامه را اساسی یا سودمند ارزیابی کردند، و مقدار نسبت روایی محتوا ۰/۷۵ به دست آمد.

یافته‌های پژوهش

آمارهای توصیفی، ابعاد حاکمیت خوب شهری در کلان‌شهرهای ایران نشان می‌دهد که در مجموع، حاکمیت شهری در سطح مطلوبی نیست (جدول ۵).

جدول ۵: شاخص‌های آماری ابعاد حاکمیت خوب شهری

متغیر	تعداد	کرانه پایین	کرانه بالا	میانگین	انحراف معیار
پاسخگویی	۴۰	۱/۳۳	۳/۷۲	۲/۰۳	۰/۵۳
اثربخشی	۴۰	۱/۴۰	۳/۰۵	۲/۱۳	۰/۴۲
مشارکت	۴۰	۱/۳۶	۴/۲۲	۲/۱۳	۰/۵۶
برابری	۴۰	۱/۳۸	۳/۳۳	۲/۰۶	۰/۴۵

مقایسه شهرهای منتخب از نظر ابعاد حاکمیت خوب شهری نشان می‌دهد که در مجموع تفاوت قابل ملاحظه‌ای میان آن‌ها وجود ندارد (شکل ۲). نیاز به توضیح است که در بعد پاسخگویی بهترین عملکرد متعلق به دو شهرستان ملایر و اصفهان، و بدترین عملکرد مربوط به شهرستان بوم و ایلام است. در بعد اثربخشی بهترین عملکرد مربوط به شهرستان ملایر و بدترین عملکرد مربوط به شهرستان مریوان است. در بعد مشارکت بهترین عملکرد مربوط به شهرستان ملایر و بدترین عملکرد مربوط به شهرستان خرم‌آباد است. در پایان، در بعد برابری بهترین عملکرد مربوط به شهرستان ملایر و بدترین عملکرد مربوط به شهرستان قزوین است.



شکل ۲: مقایسه حاکمیت خوب شهری در کلان‌شهرهای ایران

حاکمیت خوب شهری

برای پاسخ به این پرسش که حاکمیت خوب شهری در کلان‌شهرهای ایران در چه سطحی است، فرض‌های آماری زیر قابل طرح است:

$$\begin{cases} H_0: \mu \leq 3 & \text{حاکمیت خوب شهری در سطح مطلوبی نیست.} \\ H_1: \mu > 3 & \text{حاکمیت شهری در سطح مطلوبی است.} \end{cases}$$

برای بررسی این فرض‌ها، از آزمون t تک‌نمونه‌ای استفاده شده که نتایج آن در جدول (۶) آمده است:

جدول ۶: آزمون تک‌نمونه‌ای ابعاد حاکمیت خوب شهری

فاصله اطمینان ۹۵٪		میانگین	سطح معناداری	درجه آزادی	t	متغیر
کرانه بالا	کرانه پایین					
-۰/۷۳۴	-۱/۰۰۴	۲/۱۳	۰/۰۰۰	۳۹	-۱۳/۰۲	اثربخشی
-۰/۶۹۰	-۱/۰۴۹	۲/۱۳	۰/۰۰۰	۳۹	-۹/۸۰	مشارکت
-۰/۸۰۴	-۱/۱۴۳	۲/۰۳	۰/۰۰۰	۳۹	-۱۱/۵۹	پاسخگویی پاسخگویی
-۰/۷۹۳	-۱/۰۸۱	۲/۰۶	۰/۰۰۰	۳۹	-۱۳/۱۲	برابری

با توجه به منفی بودن مقادیر t و با در نظر گرفتن سطح معناداری مشاهده‌شده برای ابعاد حاکمیت خوب شهری نمی‌توان در فاصله اطمینان ۹۵ درصد فرض صفر (H_0) را رد کرد. به سخن دیگر، ابعاد حاکمیت خوب شهری در کلان‌شهرهای ایران در سطح مطلوبی نیستند.

مدل معادله ساختاری

با اجرای آزمون مدل، شاخص‌های برازشی ارائه می‌گردند که نشان می‌دهند تا حدی مدل مفهومی مورد ادعا به وسیله داده‌های تجربی برازش می‌شود. برخلاف آزمون‌های مرسوم آماری که با یک آماره مورد تایید یا رد قرار می‌گیرند، دسته‌ای از شاخص‌ها در مدل‌سازی معرفی می‌شوند. در این پژوهش از شاخص‌های ضریب تعیین، شاخص متوسط واریانس استخراج‌شده، ضریب آلفای کرونباخ، و ضریب پایایی ترکیبی بهره گرفته شده است.

نتایج تجزیه و تحلیل داده‌ها نشان می‌دهد که میزان R_2 برای متغیر وابسته یعنی حاکمیت خوب شهری برابر با ۰/۹۷۶ است که نشان از آن دارد که حاکمیت خوب شهری به شدت به متغیرهای مستقل وابسته است. به عبارت دیگر، ۹۷ درصد از تغییرات حاکمیت خوب شهری تحت تاثیر متغیرهای مدیریت دانش فضایی، توسعه فناوری‌های ارتباطات و اطلاعات، سرمایه اجتماعی، و جهانی شدن ادراکی است. همچنین، با توجه به نتایج جدول (۷)، AVE همه سازه‌ها بالاتر از ۰/۵ است (Fornell & Larcker, 1981). در نتیجه، روایی همگرایی مدل بالا و مناسب بودن برازش

مدل‌های اندازه‌گیری تایید می‌شود. پایایی ترکیبی و ضریب آلفای کرونباخ در مورد همه متغیرها بالاتر از ۰/۷ است. در نتیجه، نتایج پژوهش حاضر در مورد این دو معیار برازش مناسب مدل را تایید می‌کند. در پایان، شاخص اشتراک (CV Com) توانایی مدل را در پیش‌بینی متغیرهای مشاهده‌پذیر از طریق مقادیر متغیرهای پنهان متناظرشان می‌سنجد. مقادیر مثبت شاخص CV Com نشان‌دهنده کیفیت مناسب مدل اندازه‌گیری انعکاسی است. شاخص افزونگی (CV Red) نیز شاخص کیفیت مدل ساختاری است و مقادیر بالای صفر نشان‌دهنده توانایی بالای مدل ساختاری در پیش‌بینی کردن روابط است (Henseler & Sarstedt, 2013). با توجه به جدول (۷)، می‌توان ادعا کرد که روابط میان متغیرها در مدل معنادار است.

جدول ۷: میانگین واریانس استخراج‌شده (AVE)، و شاخص اشتراک و شاخص افزونگی سازه‌های مدل

متغیر	AVE -0.5	شاخص اشتراک (CV Com)	شاخص افزونگی (CV Red)
فناوری اطلاعات و ارتباطات	۰/۸۳۸	۰/۹۲۲	۰/۴۳۱
حاکمیت خوب شهری	۰/۸۶۶	۰/۹۰۶	۰/۷۶۷
فرهنگ مشارکت	۰/۸۰۴	۰/۸۳۹	۰/۸۳۹
جهانی شدن ادراکی	۰/۸۰۴	۰/۸۴۶	۰/۸۴۶
سرمایه اجتماعی	۰/۹۰۸	۰/۸۸۲	۰/۸۸۲
تمایل مقامات محلی	۰/۸۲۱	۰/۷۳۶	۰/۷۳۶

مدل با ضرایب مسیر

الگوریتم تحلیل داده‌ها در روش PLS نشان می‌دهد که پس از بررسی برازش مدل‌های اندازه‌گیری و مدل کلی، می‌توان به بررسی و آزمون فرضیه‌های پژوهش پرداخت و به یافته‌ها رسید. در این بخش ضرایب معناداری Z و ضرایب استانداردشده مسیرهای مربوط به فرضیه‌ها بررسی می‌شود. در واقع، حالت معناداری ضرایب (T-value) تمام معادلات اندازه‌گیری (بارهای عاملی) و معادلات ساختاری را با استفاده از آماره T آزمون می‌کند و معناداری مسیرها را در مدل نشان می‌دهد. در حالت معناداری در سطح اطمینان ۹۵ درصد می‌توان بر اساس مقدار T در خصوص معناداری ضرایب مسیرها تصمیم‌گیری کرد و در صورتی که مقدار T بزرگ‌تر از ۱/۹۶+ یا کوچک‌تر از ۱/۹۶- باشد آن مسیر معنادار است و در غیر این صورت آن مسیر معنادار نیست.

بررسی نقش متغیرهای تعدیل کننده

مقدار T به دست آمده برای تعدیل گری فرهنگ مشارکت بین سرمایه اجتماعی و حاکمیت خوب شهری معادل (۳/۰۲۵) بزرگتر از ۱/۹۶ است. بنابراین، در فاصله اطمینان ۹۵ درصد متغیر فرهنگ مشارکت بین سرمایه اجتماعی و حاکمیت خوب شهری نقش تعدیل گری را ایفا می کند. بر اساس این تحلیل مشخص است که متغیر فرهنگ مشارکت توانسته است بین توسعه فناوری اطلاعات و ارتباطات و حاکمیت خوب شهری و بین جهانی شدن ادراکی و حاکمیت خوب شهری نقش تعدیل گر داشته باشد. از سویی مشخص است که نقش تعدیل گری تمایل مقامات محلی تنها بین توسعه فناوری اطلاعات و ارتباطات و حاکمیت خوب شهری تایید شده است و بین سرمایه اجتماعی و حاکمیت خوب شهری و بین جهانی شدن ادراکی و حاکمیت خوب شهری این متغیر نتوانسته است نقش یک متغیر تعدیل گر را ایفا کند.

نتایج آزمون فرضیه ها

با توجه به ضرایب معناداری T-Value و ضرایب مسیر در سطح اطمینان ۹۵ درصد می توان وضعیت فرضیه های پژوهش را مشخص کرد. **جدول (۸)**، نتایج آزمون فرضیه های پژوهش را نشان می دهد.

جدول ۸: نتایج آزمون فرضیه های پژوهش

نتایج	ضریب مسیر	مقدار T	فرضیه های پژوهش
تایید	۰/۵۱۶	۲۸/۶۴۷	H ₁
تایید	۰/۱۶۳	۲/۴۷۸	H ₂
تایید	۰/۲۸۸	۳/۵۱۷	H ₃
رد	۰/۱۸۰	۰/۹۹۷	H ₄
تایید	۰/۸۰۶	۲/۷۷۹	H ₅
رد	۰/۱۴۸	۱/۵	H ₆
تایید	۰/۲۱۰	۲/۱۸۶	H ₇
تایید	۰/۶۰۱	۲/۷۲۹	H ₈
تایید	۰/۳۷۰	۳/۵۷۳	H ₉

هنگامی که مقادیر ضریب مسیر T در بازه بیش تر از $1/96+$ باشد، بیانگر معنادار بودن پارامتر مربوطه و نیز تایید فرضیه‌های پژوهش است. با توجه به مقدار ضریب معناداری به دست آمده برای مسیرهای بین متغیرها فرضیه‌های H_4 و H_6 تایید نشد. مقدار ضریب معناداری فرضیه H_1 $28/647$ به دست می‌آید و نشان می‌دهد که توسعه فناوری‌های ارتباطات و اطلاعات به طور مستقیم بر حاکمیت خوب شهری اثر دارد. با توجه به این استدلال، فرضیه‌های H_1 ، H_2 ، H_3 ، H_5 ، H_7 ، H_8 و H_9 نیز مورد تایید قرار می‌گیرند.

بحث و نتیجه گیری

پژوهش حاضر با هدف بررسی اثرهای مجموعه‌ای از عوامل شامل سرمایه اجتماعی، توسعه زیرساخت‌های فناوری اطلاعات و ارتباطات، و جهانی شدن ادراکی با تعدیل‌گری دو متغیر فرهنگ مشارکت و تمایل مقامات محلی در حوزه شهرها بر عنصر اثرگذار مدیریت شهری امروز که همانا حاکمیت خوب شهری است، انجام شد.

در تبیین مفهوم حاکمیت در بخش‌های ابتدایی این پژوهش بیان گردید که به طور کلی حاکمیت توصیف‌گر اشکال جدید تصمیم‌گیری جمعی است که در فضاهای مختلف (مانند دولت، بازار، و جامعه مدنی) صورت می‌گیرد، و چنین حاکمیتی مبتنی بر شبکه‌های پیچیده از بازیگران به هم وابسته هستند که به بخش‌های دولتی، شبه‌دولتی، خصوصی، داوطلبانه، و اجتماع محلی تعلق دارند. در سطح شهری، انگاره حاکمیت شهری به جای حکومت شهری سنتی بر محیط سیاسی - اجتماعی پیچیده و چندپاره، و الگوی منعطف و باز تصمیم‌گیری دلالت دارد (Stoker, 1998). حاکمیت شهری را می‌توان به مثابه فرایندی تلقی کرد که برای تلفیق و هماهنگی منافع خصوصی و عمومی در زمینه‌هایی با نهادها و سیستم‌های مختلف ارزشی و هنجاری جهت‌گیری شده است (Pierre, 1999). امروزه، رویکرد هنجاری به حاکمیت شهری در قالب «حاکمیت خوب» مطرح شده است که سطوح مختلف از جمله سطح شهری را پوشش می‌دهد. ارزش‌های بنیادین حاکمیت از یکپارچه‌سازی انگاره مردم‌سالاری و حاکمیت قانون به دست می‌آیند.

اولین یافته این پژوهش نشان می‌دهد که حاکمیت خوب شهری در کلان‌شهرهای ایران فاصله قابل توجهی با وضعیت آرمانی دارد. در ضمن، بررسی عوامل اثرگذار بر استقرار حاکمیت خوب شهری نشان می‌دهد که توسعه فناوری اطلاعات و ارتباطات، جهانی شدن، و سرمایه اجتماعی بر استقرار حاکمیت خوب شهری اثرگذار هستند و متغیر فرهنگ مشارکت رابطه میان سه متغیر یادشده را با حاکمیت خوب شهری تعدیل می‌کند و متغیر تمایل مقامات محلی تنها

رابطه بین توسعه فناوری‌های ارتباطی و اطلاعاتی را با حاکمیت خوب شهری تعدیل می‌نماید. در مقایسه یافته‌ها باید اشاره نمود که از نظر تاثیر سرمایه اجتماعی بر حاکمیت خوب شهری با مطالعات مالونی و همکاران (۲۰۰۰)، البرلی (۲۰۰۳)، جانکاسکاس و سپوتینی (۲۰۰۷)، ریتر (۲۰۱۳)، و مس و همکاران (۲۰۱۵)، از نظر تاثیر توسعه فناوری اطلاعات و ارتباطات با مطالعه رلهان و همکاران (۲۰۱۲)، مادزوا و همکاران (۲۰۱۳)، پروکا و سانتگبائر (۲۰۱۶)، یوان هیبتات (۲۰۱۶)، و رهنورد و یزدان‌شناسان (۱۳۹۴)، از نظر تاثیر جهانی شدن ادراکی بر حاکمیت خوب شهری با یافته‌های کرسل و فرای (۲۰۰۵)، سوکاموتو و فوگل (۲۰۰۴)، اوزون (۲۰۰۷)، و فان کامپن و فان نائرسن (۲۰۰۸)، و از نظر تاثیر توسعه فناوری‌های ارتباطی و اطلاعاتی بر حاکمیت خوب شهری با مطالعات رلهان و همکاران (۲۰۱۲)، مادزوا و همکاران (۲۰۱۳)، پروکا و سانتگبائر (۲۰۱۶)، و رهنورد و یزدان‌شناسان (۱۳۹۴) تشابه دارد. در بخش تعدیل‌گری نیز یافته‌های این پژوهش در بخش تمایل مقامات محلی با مطالعات تشابه دارد و در بخش فرهنگ مشارکت با مطالعه لمبارد (۲۰۱۳) مشابه است.

در این پژوهش مدل جدیدی برای حاکمیت خوب شهری معرفی گردید که در نهایت بستر مناسبی برای حفظ و پویایی شاخص‌های حاکمیت خوب شهری است و پیوندها و همبستگی‌ها را برای اجرا و بهبود عملکرد سیستم دولت در بطن جامعه فراهم می‌آورد. در ارتباط با ماهیت بومی و ایرانی‌شده مدل باید عنوان نمود پس از بررسی ادبیات موضوع حوزه حکمرانی خوب شهری و تعیین متغیرهای تاثیرگذار بر شکل‌گیری حکمرانی خوب شهری، مدل اولیه‌ای ترسیم گردید. در ادامه، پس از گذر از فرایند بررسی خبرگان و دریافت نظرهای آن‌ها در فرایند مصاحبه فرد به فرد، متغیرهای جدیدی بر اساس شرایط بومی کشور افزوده شد و این متغیرها و روابط میان آن‌ها بر اساس داده‌های ایرانی تایید اعتبار گردید. نیاز به اشاره است تاکنون پژوهشی به گستردگی پژوهش حاضر عوامل موثر بر حکمرانی خوب شهری را در سطح کلان‌شهرهای کشور ایران بررسی ننموده است.

با توجه به مدل، پیشنهادهایی برای استقرار حاکمیت خوب شهری در کلان‌شهرهای ایران ارائه می‌شود: ۱. گسترش کاربرد فناوری‌های اطلاعاتی و ارتباطی در مدیریت شهری؛ ۲. ارتقای سرمایه اجتماعی؛ ۳. انجام تمهیدهای لازم برای تعمیق فرهنگ مشارکت شهروندان در اداره امور شهری؛ ۴. توجه جدی به مدیریت دانش فضایی؛ و ۵. کمک به اصلاح و افزایش تمایل مقامات محلی برای استقرار حاکمیت خوب شهری. از دیگر پیشنهادهای این پژوهش برای پژوهش‌های آتی استفاده از شاخص‌های مطرح‌شده در این مدل در طبقه‌بندی کلان‌شهرهای ایران از نظر

کیفیت حاکمیت خوب شهری در آن‌هاست.

یکی از مهم‌ترین محدودیت‌های پژوهش این نکته است که با توجه به شرایط حاکمیتی در کلان‌شهرها در مقایسه با شهرهای متوسط و کوچک در کشور، در تعمیم نتایج این پژوهش به کلیه شهرها و نه صرفاً کلان‌شهرهای کشور باید جانب احتیاط رعایت شود. دیگر محدودیت این پژوهش به ابزار جمع‌آوری داده که پرسشنامه است، باز می‌گردد. از آنجایی که این ابزار نمی‌تواند همه ذهنیت‌های درون ذهن پاسخ‌دهنده را کشف و ضبط نماید، به نظر می‌رسد استفاده از سایر ابزارهای جمع‌آوری داده، به‌ویژه تحلیل اسناد و مصاحبه، می‌تواند کیفیت یافته‌های این نوع از پژوهش‌ها را در آینده تحت تاثیر قرار دهد. محدودیت سوم، دسترسی مناسب نداشتن پژوهشگران به اعضای شورای شهر برای جمع‌آوری داده در سراسر شهرهای ایران بود که این چالش مهم به عنوان یک محدودیت زمان‌زیادی را می‌طلبد.

منابع

الف) انگلیسی

- Araei, V., Ghasemi, A., & Moeininfar, Y. (2018). Policy Recommendations about Barriers of Good Governance in Public Affairs (Case Study: Governorate and Municipality of Minoodasht). *Strategic Studies of Public Policy*, 7(25), 113-133. http://sspp.iranjournals.ir/article_29729.html.
- Badach, J., & Dymnicka, M. (2017). *Concept of 'Good Urban Governance' and Its Application in Sustainable Urban Planning*. Paper Presented at the IOP Conference Series: Materials Science and Engineering. <https://doi.org/10.1088/1757-899X/245/8/082017>.
- Eberle, S. (2003). *Social Capital and Good Governance: The Impact of Civil Society on Government Performance*. (Master of Arts in Politics and Management). University of Konstanz. <http://nbn-resolving.de/urn:nbn:de:bsz:352-opus-16386>.
- Fornell, C., & Larcker, D. F. (1981). Evaluating Structural Equation Models with Unobservable Variables and Measurement Error. *Journal of Marketing Research*, 18(1), 39-50. <https://doi.org/10.1177/002224378101800104>.
- Hair Jr, J. F., Hult, G. T. M., Ringle, C., & Sarstedt, M. (2016). *A Primer on Partial Least Squares Structural Equation Modeling (PLS-SEM)*: Sage Publications.
- Haji Yousefi, A. M., & Talebi, M. A. (2017). Barriers to Participation in the Challenges between Political Culture and Good Governance from the

- Perspective of Senior Managers in the Government of IR Iran. *Research Letter of Political Science*, 12(1), 7-40. http://www.ipsajournal.ir/article_308.html.
- Hekmatnia, H., Maleki, M., Mousavi, M. N., & Afshani, A. (2017). Assess the Implementation of Good Urban Governance in Iran (Case Study: Ilam City). *Human Geography Research*, 49(3), 607-619. <https://dx.doi.org/10.22059/jhgr.2016.57235>.
- Henseler, J., & Sarstedt, M. (2013). Goodness-of-Fit Indices for Partial Least Squares Path Modeling. *Computational Statistics*, 28(2), 565-580. <https://doi.org/10.1007/s00180-012-0317-1>.
- Jankauskas, V., & Šeputienė, J. (2007). The Relation between Social Capital, Governance and Economic Performance in Europe. *Business: Theory and Practice*, 8(3), 131-138.
- Jenkins, H. (2009). *Confronting the Challenges of Participatory Culture: Media Education for the 21st Century*: The MIT Press.
- Kresl, P. K., & Fry, E. H. (2005). *The Urban Response to Internationalization*: Edward Elgar Publishing.
- Lombard, M. (2013). Citizen Participation in Urban Governance in the Context of Democratization: Evidence from Low-Income Neighbourhoods in Mexico. *International Journal of Urban and Regional Research*, 37(1), 135-150. <https://doi.org/10.1111/j.1468-2427.2012.01175.x>.
- Maas, L. T. (2015). The Effect of Social Capital on Governance and Sustainable Livelihood of Coastal City Community Medan. *Procedia-Social and Behavioral Sciences*, 211(1), 718-722. <https://doi.org/10.1016/j.sbspro.2015.11.092>.
- Madzova, V., Sajnoski, K., & Davcev, L. (2013). E-government as an Efficient Tool towards Good Governance (Trends and Comparative Analysis throughout Worldwide Regions and within West Balkan Countries). *Balkan Social Science Review*, 1(1), 157-174.
- Maloney, W., Smith, G., & Stoker, G. (2000). Social Capital and Urban Governance: Adding a More Contextualized 'Top-Down' Perspective. *Political Studies*, 48(4), 802-820. <https://doi.org/10.1111/1467-9248.00284>.
- McCarney, P., Halfani, M., & Rodriguez, A. (1995). Towards an Understanding of Governance: The Emergence of an Idea and Its Implications for Urban Research in Developing Countries. *Urban Research in the Developing World*, 4(1), 91-141.
- Perucca, F., & Sonntagbauer, P. (2016). *E-Governance and Urban Policy Design in Developing Countries*. Fupol Project and UN-Habitat.
- Pierre, J. (1999). Models of Urban Governance: The Institutional Dimension of Urban Politics. *Urban Affairs Review*, 34(3), 372-396.

<https://doi.org/10.1177/10780879922183988>.

- Putnam, R. (2001). Social Capital: Measurement and Consequences. *Canadian Journal of Policy Research*, 2(1), 41-51.
- Relhan, G., Ionkova, K., & Huque, R. (2012). *Good Urban Governance through ICT: Issues, Analysis, and Strategies*: World Bank. <https://doi.org/10.1596/27158>.
- Rhodes, R. A. (1997). *Understanding Governance: Policy Networks, Governance, Reflexivity and Accountability*: Open University Press. <http://eprints.soton.ac.uk/id/eprint/336524>.
- Ritter, T. (2013). *Administration and Multi Level Governance Social Capital as a Determinant for Good Governance—An Empirical Analysis of the 27 EU Member States—EGPA Annual Conference*. Edinburgh Scotland—UK EU.
- Safariyan, R., & Emamjomehzadeh, S. J. (2018). Model of Good Governance: Social Capital and Comprehensive Development. *State Studies*, 3(12), 145-181. <https://dx.doi.org/10.22054/tssq.2018.8389>.
- Stoker, G. (1998). Public-Private Partnerships and Urban Governance. In *Partnerships in Urban Governance* (pp. 34-51): Springer. https://doi.org/10.1007/978-1-349-14408-2_3.
- Streib, G., & Navarro, I. (2006). Citizen Demand for Interactive E-Government: The Case of Georgia Consumer Services. *The American Review of Public Administration*, 36(3), 288-300. <https://doi.org/10.1177/0275074005283371>.
- Tsukamoto, T., & Vogel, R. K. (2004). *Globalization and Urban Governance: A Comparative Analysis of Decentralization in World Cities*. Paper Presented at the City Futures Conference, University of Illinois at Chicago.
- UN- Habitat (2016). *Global Campaign on Urban Governance*. Available at: <https://unhabitat.org>.
- Uzun, C. N. (2007). Globalization and Urban Governance in Istanbul. *Journal of Housing and the Built Environment*, 22(1), 127-138. <https://doi.org/10.1007/s10901-006-9069-y>.
- Van Kampen, M., & Van Naerssen, T. (2008). Globalization and Urban Governance in Two Asian Cities: Pune (India) and Cebu (The Philippines). *European Planning Studies*, 16(7), 941-954. <https://doi.org/10.1080/09654310802163736>.

ب) فارسی

بدیعی ازندهی، مرجان، و حسینی نصرآبادی، نرجس‌السادات (۱۳۹۱). جهانی شدن و تحول مفهوم حاکمیت ملی. نشریه تحقیقات کاربردی علوم جغرافیایی، ۱۲(۲۵)، ۱۵۱-۱۷۲.

<http://jgs.khu.ac.ir/article-1-656-fa.html>

رهنورد آهن، فرج‌اله، و یزدان‌شناسان، نرجس (۱۳۹۴). تاثیر دولت الکترونیک بر حاکمیت خوب در پرتو درجه توسعه‌یافتگی کشورها. نشریه مدیریت منابع در نیروی انتظامی، ۳(۱۰)، ۴۵-۶۶.

http://rmpjmd.jrl.police.ir/article_17767.html

ساعی ارسى، ایرج (۱۳۸۸). جهانی شدن و مولفه‌های پارادایم جدید توسعه در کشورهای پیرامونی. نشریه جامعه‌شناسی، ۵(۴)، ۶۳-۸۱.

شهرستانی، رضا (۱۳۹۵). بررسی نقش فناوری اطلاعات و ارتباطات در تحقق حکمروایی خوب شهری (مطالعه موردی منطقه ۶ تهران). دومین کنفرانس سالانه پژوهش‌های معماری، شهرسازی و مدیریت شهری.

شهیدی، محمدحسین (۱۳۸۶). شهرسازی، حمل‌ونقل و حکمروایی شهری. نشریه جستارهای شهرسازی، ۶(۱۹-۲۰)، ۳۸-۴۴.



پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
رتال جامع علوم انسانی

فراغ
فراغ

دوره ۳۴ - بهار ۱۴۰۰ - شماره ۱ - پیاپی ۱۱۵